



## مطالعه تطبیقی حق سلامت جسمی و روانی کودکان در کنوانسیون حقوق کودک و آموزه های اسلامی

جمال بیگی

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir (مسئول نویسنده)

محمد حاج علی اکبری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران  
mohammadhajaliakbari19@gmail.com

### چکیده

امروزه توجه به وضعیت کودکان در ابعاد مختلف در کانون توجهات جامعه بین الملل و ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل قرار دارد، تا جایی که همواره قوانین جهان شمول متعددی در زمینه حمایت از کودکان از سوی سازمانهای مربوطه به تصویب رسیده است. اما به رغم این حمایتها، کودکان در بسیاری از نقاط جهان، در معرض آسیبهای جدی قرار دارند. حقوق سلامت جسمی و روانی کودک از مهمترین بحثها در حوزه حقوق خانواده می باشد. در همین زمینه، مکاتب گوناگون حقوقی، دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند. هدف این نوشتار به مقایسه دیدگاههای دو نظام حقوقی مطرح و مهم می پردازد؛ یعنی اصول حقوقی که جامعترین منبع است و کنوانسیون حقوق سلامت جسمی و روانی کودک که شالوده آخرین تلاشهای انسان قرن بیست و یکم در عرصه بین الملل می باشد. در این نوشتار، بعد از بررسی جایگاه حقوق کودک و معرفی دو اصول حقوقی، به منظور بررسی تطبیقی دو اصول، تفاوت های آنها را در سه حوزه مبنایی، محتوایی و روشی یادآور شده است. در نتیجه پس از بررسی تطبیقی دو اصول حقوقی و ملاحظه تفاوت های آن دو، روشن می شود که حقوق سلامت جسمی و روانی کودک در اصول حقوقی از سطح فاخرتر و برتری نسبت به کنوانسیون حقوق کودک برخوردار است؛ چرا که کنوانسیون گرچه دارای نقاط مثبت و خوبی است، اما برخی از حقوق اصلی کودک را نادیده گرفته است.

**کلید واژه ها:** کنوانسیون حقوق کودک، سلامت جسمی، سلامت روانی، کودک، فقه اسلامی.

### مقدمه

قدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده 49 دوم سپتامبر 1990، بر اساس اصول پایه ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است. ملتهای دنیا بر مبنای همین اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند. با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری؛ و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه ی کودکان و حمایت آنها تاکید کرده است؛ و با آگاهی به اینکه خانواده، واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهنده ی شخصیت کودکان است؛ و اینکه کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام؛ و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادخواه، باشخصیت، صلح جو با روحیه ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله: قرارداد ژنو در سال 1924 میلادی در باره حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر 1959 میلادی، اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در ماده 23 و 24 آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده 40)، اسناد و اساسنامه های دیگر تشکل های بین المللی که بنفع کودکان فعالیت میکنند؛ و بدنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است، مبنی بر اینکه: کودک بخاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد میباشد؛ و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه های سازمان مل در باره تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



کودکان در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه؛ و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی میکنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند؛ و با درک اهمیت و ارزش همکاری های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه ی دنیا و بویژه در کشورهای در حال رشد. (مصفا، نسرین، 1383)

پیمان نامه ی حقوق کودک که بیش از 180 کشور جهان مفاد آن را امضاء کرده اند، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر 1989 میلادی می باشد. این پیمان نامه مشتمل بر یک مقدمه و 54 ماده است. این که طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شالوده ی آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیر قابل انکار همه ی اعضاء و خانواده ی بشری است. این نکته از این نگاه دارای اهمیت است که سازمان ملل متحد در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر اعلام نموده است، دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه است. همچنین خانواده نیز از گروه های بنیادین جامعه و محیط طبیعی رشد و رفاه است و کلیه ی اعضا ی آن و بویژه کودکان و نوجوانان، باید از حمایت های ویژه برخوردار باشند.

### بیان مسئله

حقوق انسانها در تمام دوران زندگی بشر همیشه مورد توجه بوده است، افراد سعی دارند تا به بهترین نحو به این حقوق دست پیدا کنند و از آن استفاده ببرند. در این بین افرادی به نام کودکان وجود دارند که به تنهایی نمی توانند از حقوق خود دفاع و از آن استیفا نمایند. آنان به واسطه محدودیت های طبیعی و اجتماعی بیش از سایر اقشار جامعه آسیب پذیر بوده و خطرهای جسمی، روحی و تربیتی آنها را تهدید می نماید. این قانون گذار، والدین و سازمان های بین المللی هستند که باید از حقوق کودک دفاع و امکان اجرای مطلوب و همچنین ضمانت اجرای آن را فراهم آورند. در قوانین مختلف کشورها و کنوانسیون های جهانی در مورد کودکان به طور متفاوت تصمیم گیری شده است. مهم ترین اعلامیه ها در مورد کودکان، اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب 1959 میلادی و کنوانسیون حقوق کودک مصوب 1989 میلادی سازمان ملل متحد است که 191 کشور جهان به آن پیوسته اند، جمهوری اسلامی ایران نیز در سال 1383 با درج حق شرط کلی به این کنوانسیون مهم بین المللی پیوست. در اصل بیست و یکم قانون اساسی و همچنین قوانین مدنی و جزایی کشورمان نیز پاره ای از مقررات حمایتی در این زمینه آمده است هر چند دارای کاستی ها و نارسایی هایی می باشد. یکی از معایب و نواقص مهم قوانین فوق مخصوصاً قانون مدنی عدم توجه به وظایف والدین در دوران قبل از تولد است زیرا دوران مهم و اساسی تلقی می شود؛ یا حتی برای بعد از دوران تولد وظایفی مشخص گردیده ولی در مواردی ناقص، مبهم و کلی بوده که برخی فاقد ضمانت اجرا می باشد. حقوق کودکان نیز از دو جهت حقوق مادی و حقوق معنوی قابل بررسی است تا بتوانیم به احقاق حقوق کودکان به نحو مطلوب کمک نماییم.

کودکان به واسطه محدودیت های طبیعی و اجتماعی خود نیاز به حمایت قانون گذار، والدین و جامعه دارند. از این رو باید سعی شود تا به بهترین نحو حقوق آنان را استیفا نمود. در عرصه بین الملل، کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب 1989 میلادی وجود دارد که ایران نیز آن را مورد تایید قرار داد. (با درج حق شرط کلی) قانون مدنی و دیگر قوانین کشور نیز در مورد حقوق کودک مواردی را ذکر کرده اند. با توجه به قانون مدنی و دیگر قوانین موجود و اعلامیه جهانی حقوق کودک، می توان سن 18 سال را برای تمیز و تشخیص کودک به معنای عام لحاظ نمود که البته با سن بلوغ شرعی و زمان وجوب انجام تکالیف شرعی متفاوت است، والدین نیز کسانی هستند که با ایجاد رابطه مشروع (نکاح) باعث به دنیا آمدن طفل می گردند و طبق قانون دارای حقوق و تکالیفی هستند.

### اهمیت و ضرورت بحث

آنچه که از فقه و مفاهیم اسلامی و آیات قرآن کریم و روایت های پیامبر مکرم اسلام (ص) و سیره ی ائمه ی معصومین (ع) بر می آید، کودک دارای عواطف لطیف اخلاقی است که در بستر زمان به صورت مرحله ای و گام به گام شکل گرفته و به شکوفایی و رشد می رسد. این رشد نیازمند محیط آموزش و پرورش سالم و مناسب است (چه آموزش و پرورش سنتنی و چه مدرن) تا به تدریج از بالقوه به بالفعل در آید. همچنان که بدن کودک برای سالم ماندن به انواع غذاها نیازمند است، برای رشد فکری او نیز باید بستر و محیط را آماده نمود و اسباب و لوازم مناسب را در جهت حصول به این نتایج مهیا کرد. علیرغم اینکه مکتب اسلام حقوق کودک را با ویژگی های گسترده نگاه می کند و نگاه ژرفی را در مواجهه با شخصیت کودک در نظر می گیرد. ولی باید توجه داشت که در شرایط مختلف و برداشت های غلط یا تفاسیر نامناسب از برخی واژه ها یا مفاهیم، سبب شده، از نیت های معصومانه ی کودکان سوء استفاده شده و شاهد مصائب زیادی بر آنان باشیم. بیشترین اجحافی که در جوامع اسلامی نسبت به حقوق کودک مشاهده می گردد، ناشی از تفاسیر غلط از حقوق کودک یا نبود قانون مدون که حامی کودکان و نوجوانان باشد، می توان ذکر نمود؛ اما در دهه های اخیر نگرش های جدیدی در حمایت از حقوق کودکان پدید آمده است و ملل اسلامی نیز همگام با جوامع جهانی سعی دارند با نگاه های نو نسبت به حقوق کودکان و توسعه ی آن به گونه های مختلف اقدام نمایند.

در حوزه ی کنوانسیون حقوق کودک و اصول آن مشاهده می شود که بر مبنای نیازهای فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و ... از این منظر که کودک یک انسان آسیب پذیر است و نیازمند یک سری از حقوق اساسی و بنیادین برای رشد شخصیت و جامعه پذیری است، تأکید شده است. در مفاد پیمان نامه ی حقوق کودک از ارزش گذاری به خانواده به عنوان اصلی ترین شاخص و به عنوان گروه بنیادین جامعه سخن گفته شده و پرهیز از هر گونه تبعیض در برخورد با کودکان و ایجاد شرایط محیطی سالم برای رشد آنان گوشزد نموده است. در واقع اهمیت خانواده و جایگاه آن در مکتب اسلام و کنوانسیون حقوق کودک؛ نگاه واحدی را، ارائه می دهند. با توجه به موضوع حقوق کودک و وظایف والدین می توان آن را در دو بخش کلی دوران قبل از تولد (بارداری) و دوران بعد از تولد مورد کنکاش قرار داد البته در خلال بحث و بررسی با توجه به تقسیم بندی فوق حقوق کودکان را از جهت حقوق مادی و حقوق معنوی نیز می توان مورد بررسی قرار داد زیرا برخی حقوق مثل نفقه، مادی و برخی حقوق مثل نگهداری، تربیت، حق ملاقات

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



معنوی محسوب می‌شود. در آغاز سخن ابتدا به تبیین و بررسی عناوینی همچون کودک و والدین خواهیم پرداخت تا بدانیم دایره شمول تحقیق مربوطه شامل چه اشخاصی می‌شود. حقوق کودکان در دوران قبل از تولد مورد بی‌مهری قانون‌گذار واقع گردیده و والدین هیچ تکلیف و الزامی ندارند که همین یکی از نواقص مهم قانون مدنی در باب حقوق کودکان می‌باشد. البته حقوق کودکان پس از دوران تولد مورد توجه قانون‌گذار بوده ولی در برخی موارد دارای ابهام، کلی‌گویی و حتی نقص می‌باشد. به طور مثال ابهام در ماده 1168 قانون مدنی در مورد «حضانت» و حتی امکان سوءاستفاده پدر از مواد 1169 و 1172 قانون مدنی، همچنین در مورد تربیت (موضوع ماده 1178 قانون مدنی) حدود و معیار تربیت با ابهام مواجه و به حداقل اکتفا نموده و فاقد ضمانت اجرا می‌باشد؛ همچنین موارد دیگر همچون نفقه، حق ملاقات و حق تغذیه کودکان مورد تضییع قرار گرفته است. در نتیجه با یک دید کلی می‌توان چنین تحلیل نمود که در مورد حقوق کودک نباید به حداقل اکتفا نمود بلکه باید به حد اعلی اندیشید و با آموزش والدین قبل و بعد از تولد و همچنین اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین جدید همراه با ضمانت اجرای قانونی لازم حقوق کودکان را تضمین نمود.

### پیشینه تحقیق تحقیقات داخلی

مهرپور (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "نظام بین المللی حقوق بشر"، راهکارهای بین المللی که در جهت الزام دولت ها و وادار کردن آنها به رعایت حقوق و آزادی های اساسی افراد پیش بینی شده است، اعم از اسناد بین المللی و ارگان ها و نهادهای بین المللی یا منطقه ای و ملی به طور اجمال و خلاصه مورد بررسی قرار می گیرد.

حیدری (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان "تحول حقوق کودک در اسلام و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک" می نویسد: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم فرزندانان را گرامی بدارید و با آداب و روش پسندیده با آنان رفتار کنی.» پیامبر اکرم (ص). چون سرو کارت با کودک فتاد - پس زبان کودکی باید گشاد. کودکان و نوجوانان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه به نیازهای واقعی آنان در دوران کودکی و نوجوانی توجه نشود چه بسا خسارت‌های غیر قابل جبرانی بر جامعه تحمیل خواهد شد. در واقع این نیازها از حقوق کودکان به شمار می‌آید که باید بدان توجه نمود. نیازهای کودک در برهه‌ای از زمان از دیگر زمان‌ها ویژگی و اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این میان حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده‌ی والدین است، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز با توسعه سیستم های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نموده و برنامه‌ریزی هدفمندی را جهت رسیدن به هدفهای متعالی از ره‌آورد آن برای این گروه مورد توجه قرار می دهد.

پورقهرمانی در مقاله ای با عنوان "نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن" معتقدند حقوق کودک، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدی از سوی جامعه بین المللی دارد. با توجه به ضرورت توجه به مباحث حقوق کودک در سطح جامعه، نوشتار حاضر، به بررسی نکاتی پیرامون حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با عنوان «کنوانسیون حقوق کودک»، در سال 1989 میلادی به تصویب رسیده است - که گامی مؤثر در هت حفظ حقوق کودکان محسوب می شود-، می پردازد. علاوه بر آن در این نوشتار، به موقعیت برخی از کشورها، از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک اشاره شده است.

بجنوردی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی مفهوم و معیار کودک در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره مندی از حقوق مربوطه" اشاره نموده است که کودک از نظر مفهومی به چه کسی می گویند و مراحل کودکی چیست؟ در ادامه کودکی از دیدگاه قرآن، علما و فقها، قانون مدنی ایران، فقه اسلامی، کنوانسیون حقوق کودک مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان به مسئولیت والدین در قبال کودکان که به دوران قبل از ازدواج، قبل از تولد و بعد از تولد فرزند تقسیم می شود، پرداخته شده است. پرچم (۱۳۹۲)، در مقاله "جایگاه و حقوق فرزندان در اسلام" بیان داشته اند امروزه یکی از مشکلات خانواده ها در روابط والدین با فرزندان عدم توجه آنها به تربیت و پرورش فرزندان است که این امر ناشی از عدم شناخت آنها از جایگاه فرزندان و وظایفشان در برابر آنان است. از این رو این پژوهش بر آن است که با بهره گیری از آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و روایات معصومین (ع)، که مفسر و عدل آیات قرآن هستند، وظایف والدین را در مقابل فرزندان بررسی، و فرمانهایی را استخراج کند که در کیفیت تربیت فرزند مؤثر است؛ این فرمانها شامل حقوق مادی و معنوی اخلاقی است که مراحل پیش از تولد و پس از آن را در بر میگیرد. از رهیافتهای مهم این پژوهش این است که خداوند اساس تربیت بشر را بر محبت خویش استوار گردانیده است و از این رو کانون خانواده نیز بر محبت اعضا نسبت به یکدیگر شکل میگیرد. این محبت همراه با اجزای دیگر فرمانهای الهی موجب استحکام خانواده و کاهش تنشهای موجود در آن میشود.

فاضلی (۱۳۹۰)، در پایان نامه تحصیلی خود "اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا (ص)" تربیت دینی را مجموعه دگرگونی‌هایی می داند که در فکر و عقیده فرد، به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار، که متکی بر ضوابط مذهب باشد، انجام می‌گیرد. در سایه این دگرگونی‌ها، اخلاق، عادات، آداب و رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می‌گیرد. از آنجایی که تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می‌شود، توجه به تربیت دینی کودکان از جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم و ضروری است. این پایان نامه با مطالعه اسنادی به معرفی مراحل تربیت دینی، و چگونگی و اصول آن پرداخته است. از آنجایی که هدف همه پیامبران به ویژه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌آله تربیت انسان بوده است، به اقوال و افعال پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌آله در زمینه تربیت دینی کودکان پرداخته شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌آله در جایگاه رهبر دینی جامعه، توجه ویژه‌ای به کودکان داشته و بر تربیت دینی آنان

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



توصیه فرموده است. علاوه بر آن، از آن حضرت صلی الله علیه و آله درباره چگونگی و مراحل تربیت دینی (دوران جنینی، دوران نوزادی و شیرخواری، هفت سال اول و هفت سال دوم و...) آموزه‌های فراوانی گزارش شده که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

شاملی (۱۳۹۰)، در پایان نامه تحصیلی با عنوان "تربیت عبادی کودکان"، معتقدند تربیت عبادی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند، بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزشی کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات، در این زمینه نقش دارند. تاکنون نظام آموزشی ما عملاً نتوانسته است این آمادگی را در دانش آموزان برای رفع این مشکل ایجاد کند. برای رفع این مشکل، ضروری است پیش از سن تکلیف، کودکان با اعمال و تکالیف عبادی، فلسفه و فواید اعمال عبادی متناسب با دوره کودکی آشنا شوند. والدین و مربیان به عنوان مسئولان اصلی تربیت، باید زمینه فراگیری و انجام برخی از مسائل دینی را برای کودکان فراهم نمایند. این پایان نامه، به بررسی ضرورت تربیت عبادی کودکان، ضرورت بیان فلسفه اعمال عبادی و مسئولیت والدین در این زمینه پرداخته است.

### تحقیقات خارجی

تلسون و همکارانش در سال ۱۹۹۵ پژوهشی با عنوان آزار جسمانی در دانش آموزان دبیرستان و شیوع و رابطه با سلامت عمومی انجام دادند. آنها در این تحقیق نتیجه گرفتند که آزار جسمانی به عنوان مساله مهمی در میان دانش آموزان مطرح است و با چند رفتار دیگر رابطه معنی دار دارد.

در مطالعه دیگری که توسط کینان در سال ۱۹۹۸ به منظور تجزیه و تحلیل فرهنگی خشونت خانوادگی در مسلمانان کم درآمد و خانواده های مسیحی آمریکایی مقیم لبنان انجام داد و نتیجه گرفت دیدگاه فرهنگی زنان و کودکان را در گروه بیشتر در معرض خطر قرار می دهد. کنیان در این تحقیق منابع استرس خانواده، استراتژی مدیریت و تفاوت‌های فرهنگی مسلمانان و مسیحی های کم درآمد را مورد مطالعه قرار داد.

میلزو همکارانش در سال ۱۹۹۰ در تحقیقی که در زمینه کودک آزاری انجام داد به این نتایج دست یافت که نمرات آزار و خصوصیات جمعیتی شناختی آنها ارتباط معنی داری دارند از جمله این خصوصیات سن - جنس - میزان تحصیلات بود ولی این تحقیق وجود رابطه با متغیرهای تاهل، نژاد و سطح تحصیلات را معنی دار گزارش ننمود. بر اساس این تحقیق رابطه معنا داری با نمرات آزار دهی کودک و همچنین نمره آزار و بیکاری پدر و ساعت کار مادران مشاهده شد و نمره آزار با پدیده تک والدینی و وضعیت بد اقتصادی همبستگی نشان داد.

مطالعه دیگری که توسط کمیته ملی پیشگیری از کودک آزاری در سال ۱۹۹۲ انجام شد ارتباط معناداری بین متغیر جمعیتی شناختی و نمرات آزار مشاهده شد و تحقیق دیگری که بکر - لاوزن ۱۹۹۵ روی ۳۰۱ دانشجوی دوره لیسانس انجام داد رابطه مورد بد رفتاری قرار گرفتن در دوره کودکی را با افسردگی و از هم پاشیدگی و پیامدهای منفی در بزرگسالی را مورد مطالعه قرار داد. و نتیجه گرفت بین عوامل فوق رابطه علمی برقرار است:

همانطور که از خلال پژوهشها می توان مشاهده کرد رابطه معناداری بین سابقه انواع آزار جسمانی- عاطفی - بی توجهی و آسیب های روانشناختی وجود دارد.

### نیازهای کودک

رسول اکرم (ص) به همه انسانها اعلام می کند، همانطور که پدران و مادران، حقوقی بر فرزندان خود دارند و فرزندان در صورت ترک آن حقوق عاق می شوند، فرزندان نیز حقوقی بر پدر و مادر دارند که " پدران و مادران در صورت رعایت نکردن آن عاق فرزندان می گردند." (محجة البیضاء ، ج ۲، ص ۱۱۴)

والدین مسئول تأمین تمام نیازهای کودک اعم از مادی و معنوی می باشند.

### نیازمندی های جسمانی کودک

۱- نمو جسمانی کودک با فراهم ساختن وسایل مادی امکان پذیر است تا از این طریق نیازهای بدنی او اشباع شود. این رشد و نمو با تغذیه، بهداشت کافی، آب و هوا، مسکن، خواب، بازی و امثال آن، به دست می آید.

۲- تعلیم ورزش به کودک: حرکت و جنبش، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف حیاتی است که زندگی شاداب و سلامت درگرو آن است.

امام صادق (ع) می فرماید: " باید - خصوصاً - هفت سال اول زندگی کودک آزادانه به بازی و جنبشهای بدنی صرف شود." (محجة البیضاء ، ج ۲، ص ۶۵) حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: " اگر کسی دارای طفل خردسالی بود باید با او در جنبشهای کودکانه و حالت بچه گانه همکاری و هماهنگی نماید." (تفصیل وسایل الشیعه ، ج ۳، ص ۳۱۵) آموختن و پرداختن به ورزشهای شنا، تیراندازی و سوارکاری نیز از ورزشهای مهمی است که در احادیث بر آنها تأکید شده است.

### نیازمندی های روحی کودک

۱- انتخاب نام زیبا: نخستین احسان و نیکی پدر به کودک انتخاب نام زیبا و خوشایند برای اوست و این از حقوق لازم کودکان می باشد.

۲- احترام: پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: " به شخصیت فرزندان خود ارج نهید و آداب و آیینهای رفتار خویش را نیکو و درست گردانید تا مشمول آموزش خدا شوید." پیامبر به والدین امر کرده اند که به کودکان احترام بگذارند، چراکه بی توجهی و بی

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



احترامی به آنان باعث بروز مشکلات عاطفی زیادی در کودکان می گردد همچنین در روایتی از رسول اکرم چنین آمده است: "فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقامی، پانصد سال است." (محجة البیضاء ، ج 2 ، ص 64). با توجه به مطالب گفته شده اسلام - دین انسان سازی - به اساس تربیتی انسانها از سنین کودکی ارزشی خاص می گذارد و به والدین توصیه می نماید که به تمامی ابعاد وجودی کودک عنایت داشته باشند و انسانی وارسته و شایسته را تحویل جامعه بشری بدهند.

**تعریف کودک**

**کودک در قانون مدنی**

وقتی صحبت از کودک و کودک آزاری می کنیم بهتر است مشخص کنیم که کودک چه کسی است و به چه فردی واژه کودک خطاب می شود؟ و یا به طور کلی در چه زمانی کودکی به انتهای خود می رسد؟ پاسخ به این سئوالها دشوار می نماید زیرا هنجارها و استانداردهای مختلفی برای تعیین تعریف عملیاتی این واژه وجود دارد و اظهارنظرهای متعددی در این باره شده است. در این قسمت به انواع تعاریف اشاره می شود. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر 1386)

**کودک از نظر سازمان بهداشت جهانی**

هر انسان کمتر از 18 سال کودک می باشد و با پایان سن 18 سالگی فرد به بزرگسالی گام می گذارد. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر 1386)

**کودک از نظر حقوقی**

کودک یا صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (طبق این تعریف کودک تولد نیافته کودک به حساب نمی آید.) و دوران کودکی از زمان تولد آغاز می شود و به حسب قوانین و هنجارهای جامعه حداکثر تا 18 سالگی ادامه می یابد. (محقق داماد، سیدمصطفی ، 1384)

**کودک از نظر قانون خانواده**

طبق این قانون متولدين دختر تا پایان 13 سالگی و متولدين پسر تا پایان 15 سالگی کودک محسوب می شوند و بعد از این سن از دوره کودکی خارج شده و در صورت مهیا شدن شرایط می توانند تشکیل خانواده دهند. (صفایی، سیدحسین 1385)

**کودک از نظر سیاسی**

طبق این قانون متولدين تا پایان 16 سالگی کودک محسوب می شوند و بعد از اتمام 16 سال تمام می توانند در انتخابات شرکت کنند و رای دهند و طبق اصلاحیه ای که بعداً انجام شد برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان پایان 15 سال آخر کودکی محسوب می شود و بعد از آن فرد می تواند در انتخابات شرکت نماید. (توانا، علی نجفی 1385)

**کودک از نظر برخورداری اجتماعی**

طبق قوانین مدنی متولدين دختر و پسر تا پایان 18 سالگی کودک محسوب می شود و بعد از آن وارد بزرگسالی می شوند و می توانند از حقوقی مختلفی چون رانندگی، حق دریافت گذرنامه و حق استخدام در ادارات دولتی بهره مند شوند. (توانا، علی نجفی 1385)

**کودک آزاری**

در تعریف کودک آزاری نیز اتفاق نظر وجود ندارد ولی کاملترین تعریف، تعریف سازمان بهداشت جهانی است. " تهدید سلامت جسمی - روانی و سعادت و رفاه بهزیستی کودک بدست والدین یا افرادی که مسئول او هستند" (آقابیکلویی، عباس، 1380)

**بررسی تطبیقی مفاد کنوانسیون حقوق کودک با تعالیم اسلامی**

جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را در 5 سپتامبر 1990 امضا و در اگوست 1994 (اسفند ماه 1372) تصویب کرده است. دولت جمهوری اسلامی ایران در هنگام امضای کنوانسیون به این شرح، اعلام حق شرط نموده است: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد حق شرط می نماید و این حق را برای خود محفوظ می دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلان نماید.» (توانا، علی نجفی 1385)

با توجه به این که طبق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده ای، الحاق به کنوانسیون را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نمود. متن ماده واحده چنین بود: «کنوانسیون حقوق کودک، مشتمل بر یک مقدمه و 54 ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می شود؛ مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، لازم الرعایه نباشد.» (اسحاقی، محمد. 1380)

ولی با این وجود، شورای نگهبان در نظریه شماره 5760 - 1372/11/4 خود به مجلس، موارد مخالفت کنوانسیون با موازین شرع را مشخصاً اعلام داشته است؛ موارد مشخص شورای نگهبان عبارت بودند از بند 1 ماده 12 (آزادی عقیده) بند 1 ماده 13 (آزادی بیان) بنده 2 ماده 13 (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند 1 ماده 14 (آزادی فکر و عقیده و مذهب) بند 3 ماده 14 (محدودیتها نسبت به حق مذکور) بند 2 ماده 15 (محدودیت نسبت به حق آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها) بند 1 ماده 16 (منع دخالت در امور شخصی و خانوادگی) بند 1 قسمت 1 ماده 29 (جهت گیری آموزش کودک). (حسین مهرپور، 1383، ص 134)

مجلس شورای اسلامی، پس از دریافت نظر شورای نگهبان، به جای این که موارد مشخص شورای نگهبان را تأمین کند، با اصلاح یک عبارت کوچکی در متن ماده واحده (عبارت «باشد و یا» را بعد از کلمه «اسلامی» و قبل از کلمه «قرار گیرد» اضافه کرد)

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



اكتفا كرد و آن را تصويب نمود و در واقع با اين عبارت، شوراي نگهبان يك حق تحفظ كلي را پذيرفت و مصوبه مجلس را تايبيد كرد؛ بدین صورت که «و ... مشروط بر این که مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد.» مفهوم شرط یاد شده، این است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به کنوانسیون، در صدد بر نمی آید که قوانین خود را با مقررات کنوانسیون وفق دهد و آن را اصلاح کند، بلکه قوانین خود را اجرا می کند و در آینده نیز قوانینی را که مناسب بداند وضع و اجرا می کند و به هر صورت، هر جا مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی فعلی یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیر قابل قبول و غیرمنطبق با کنوانسیون می دانند. (حسین مهرپور، پیشین، ص 148)

البته برخی در این مورد معتقدند که دولت ایران با گنجانیدن چنین شرطی، در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون، مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی، قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است و استدلال خلاف آن نقض غرض خواهد بود. ( شیرین عبادی، کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران، آزما، ص 13، 1393)

این خلاصه ای از موقعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک بود. ولی لازم به ذکر است که تصویب کنوانسیون حقوق کودک در ایران، بدین معنی نیست که سابقاً در ایران حقوق کودک رعایت نمی شد، بلکه قوانین و مقرراتی قبل از تصویب کنوانسیون مذکور وجود داشت که در جهت حمایت از حقوق کودک، تصویب و اجرا می شده است.

البته قوانینی (بعد از تصویب کنوانسیون) در ایران به تصویب رسیده است که گامی مهم و مؤثر در جهت حمایت از حقوق کودک می باشد، از جمله، پیش بینی آیین دادرسی خاص ویژه اطفال بزهکار زیر 18 سال در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال 1378، تجدید نظر در قانون مدنی در مورد سن نکاح مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام 1381 (اصلاحیه ماده 1041 ق م)، تجدید نظر در ماده 1169 ق. م. در مورد حضانت اطفال، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (آذر ماه 1382 مبتنی بر این که سن حضانت، اعم از پسر و دختر، تا سن هفت سالگی با مادر است) و قانون مهم دیگر، «قانون حمایت کودکان و نوجوانان» مصوب 1381/5/29 می باشد که از نه ماده تشکیل شده است. طبق ماده یک آن، اشخاص کمتر از 18 سال شمسی تمام، از حمایتهای قانونی این قانون بهره مند می شوند. در این قانون، هر گونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره بیندازد، ممنوع شده است. طبق ماده 3 این قانون، هرگونه خرید و فروش و بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب علاوه بر جبران خسارت، به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. طبق ماده 4، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع شده است و در ضمن، کودک آزاری، از جمله جرائم عمومی محسوب می شود و نیاز به شاکه خصوصی ندارد (ماده 5 قانون) و اشخاص و مؤسسات و مراکزی هم که به نحوی، مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده کودک آزاری، به مقامات صالح قضایی جهت پیگرد، اطلاع بدهند. (شیرین عبادی، کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران، آزما، ص 15، 1393)

همانگونه که ملاحظه شد، بیشتر مواد کنوانسیون حقوق کودک، در این قانون بیان شده و این حاکی از حساسیت قانونگذار نسبت به قضیه می باشد که قابل تحسین است.

با وجود این که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است. تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه نخست به مسئله تعریف کودک، دوران کودکی ایده آل و ارزش های موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، حقوق کودک، 5/1).

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می رود (بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز) بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه های روحی و روانی را مشاهده کرده اند (رشیدپور، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، 105). در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

امروزه مجامع قضایی قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، 88). نگاه تحول گراییه قوانین و مقررات در جوامع بین المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می دهد که هدف، همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می دارد. کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه در دوران کودکی مورد توجه واقع نشود، چه بسا خسارت های جبران ناپذیری بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

در این میان، حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است (بختیار نصرآبادی، نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تاملی بر آیات و روایات، 13)، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز باید با توسعه سیستم های حمایتی و نظارتی نسبت



به احقاق حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نماید و برنامه‌ریزی هدفداری را به منظور رسیدن به هدف‌های برتر مورد توجه قرار دهد.

برده‌داری، بهره‌مندی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب‌های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تضییع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روز افزون حقوق فردی و اجتماعی و نیز ارتقای آگاهی‌های عمومی و توسعه دولت‌ها و وظایف ذاتی حکومت به عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی، باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک یا جلوگیری از پایمال نمودن آن در جوامع فراهم شود. (حسین مهرپور، 1383، ص 145)

### تاریخچه حقوق کودک در عرصه بین‌الملل

به لحاظ تاریخی، تحولات اقتصادی و اجتماعی قرون نوزدهم و بیستم و وقوع انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و رشد فرآیند صنعتی شدن و شهرنشینی، تغییرات اساسی درباره کودک، جایگاه و تکالیف او در جامعه به وجود آورد. ورود زنان و کودکان به بازار کار بنا به ضرورت اولیه صنعتی شدن و سرمایه‌داری و تغییرات اساسی در ساختار و کارکردها و مناسبات خانوادگی، فرآیند استثمار زنان و کودکان را شدت بخشید. از طرف دیگر، ابعاد منفی تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و استعمار و پیدایش جنگ‌های جهانی اول و دوم، آوارگی و مهاجرت‌های گسترده و گسترش ابعاد جهانی فقر، بهره‌مندی و نابرابری را به همراه داشت که بر وخامت اوضاع کودکان، به ویژه در جوامع در حال توسعه، افزود. (Marilia sardenberg, 2005, p.65)

با رشد سریع جمعیت، فرآیند زنازه و کودکانه شدن فقر، محرومیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی، ضرورت توجه جدی به کودکان از طریق تلاش‌های بین‌المللی و بشردوستانه مطرح شد.

نخستین اعلامیه حقوق کودک در واکنش به پیامدهای ناشی از جنگ جهانی اول و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان در سال 1924 در ژنو تنظیم شد. پس از تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال 1946 و در ادامه تلاش‌های بین‌المللی، دومین اعلامیه حقوق کودک در سال 1959 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (اسعدی، خانواده و حقوق آن، 408). با نام‌گذاری سال 1979 به عنوان «سال جهانی کودک» توسط سازمان ملل، یک جنبش بین‌المللی پیرامون موضوعات کودکان به وجود آمد و به تغییر دیدگاه‌های موجود در مسایل کودکان منجر شد. این اقدام، آگاهی عموم نسبت به گستردگی تهدیداتی که در مقیاس جهانی رفاه و سعادت کودکان را در معرض تهدید قرار می‌داد، به وجود آورد. تصور گذشته را مبنی بر اینکه محرومیت‌های مادی تنها مشکل اساسی کودکان است، مورد تردید جدی قرار داد و این ایده را مطرح ساخت که خشونت‌های اجتماعی علیه کودکان تهدیدهای جدی‌تری هستند.

این اقدامات و توجه به ضرورت دخالت دولت‌ها در حمایت و پشتیبانی از کودکان موجب شد که در سال 1989 کنوانسیون جهانی حقوق کودک در سازمان ملل تدوین شود که امروزه اکثر کشورهای جهان آن را پذیرفته‌اند. قریب 80 سند و کنوانسیون و مدارک بین‌المللی دیگر نیز به نوعی و با روش‌های مختلف، به مباحث مرتبط به حقوق کودک توجه و ارتباط دارد. ولی کنوانسیون حقوق کودک به لحاظ اینکه همه ابعاد کودک را مورد بررسی و یا جوانب مختلف حقوق کودک را در بر می‌گیرد، بیش از همه ضمانت اجرا برای کنترل رعایت مفاد آن وجود دارد. (Marilia sardenberg, 2005, p.84)

### کنوانسیون حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس بیستم نوامبر 1959 اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند، در قسمتی از مقدمه این اعلامیه چنین آمده است: «این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودک توأم با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادی‌هایی که در پی خواهد آمد، به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود، رسماً به آگاهی عموم می‌رساند...» (عبادی، حقوق کودک، 1/ 177) و در پی آن پس از گذشت سی سال (سال 1989) به منظور تکمیل و در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان، این مجمع، «کنوانسیون حقوق کودک» را تصویب کرد (همان، 1/ 183).

در دیباچه این کنوانسیون به اهداف، تاریخچه و علل تصویب آن چنین اشاره شده است: «با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره‌مندی تک‌تک افراد بشر از حقوق مندرج در آن به دور از وابستگی‌های نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت آنها تأکید کرده است؛ و به دنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است مبنی بر اینکه: کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد؛ و بر اساس مصوبات و قرارداد‌های مربوط به حمایت کودکان، و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی می‌کنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند؛ و با درک اهمیت و ارزش همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه دنیا و به ویژه در کشورهای در حال رشد، پیمان‌نامه‌ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به تصویب می‌رسد» (عبادی، حقوق کودک، 1/ 190؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، 208؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، 165).

این کنوانسیون شامل مقدمه و سه بخش و پنجاه و چهار ماده می‌باشد. بخش اول که چهل و دو می‌باشد، به مواردی از قبیل ذیل اشاره نموده است: تعریف کودک، بهره‌مندی یکسان تمامی کودکان از حقوق مطروحه در کنوانسیون، حمایت از کودک بی خانواده، فرزند خواندگی، کودکان آواره و کودکان ناقص‌العضو.

همچنین حقوقی که باید از طرف دولت‌های عضو برای کودکان به رسمیت شناخته شود، مانند حق بقا و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی ابراز عقیده و به کارگیری آن در هر موردی که به زندگیش مربوط می‌شود، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق



تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق عدم مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر هیجده سال، حق تفریح و بازی و... تصریح شده است.

دوازده ماده بخش دوم و سوم ناظر به شکل اجرای کنوانسیون می‌باشد. مواد 46 و 47 نحوه الحاق به کنوانسیون را مورد تبیین قرار داده است (عبادی، حقوق کودک، 1/ 189-218؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، 208-242؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، 165-199).

در سال 1372، دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون ملحق گردید مشروط بر این که: «مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد و از طرف دولت جمهوری اسلامی لازم الرعایه نباشد» (عبادی، حقوق کودک، 1/ 187؛ ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، 85-83؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، 207؛ اسعدی، خانواده و حقوق آن، 409؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، 165).

با بررسی و تحلیل اصول حقوقی و کنوانسیون حقوق کودک به راحتی می‌توان تفاوت‌هایی اساسی آن دو را ملاحظه کرد. این تفاوت‌ها و اختلافات در چند دسته قرار می‌گیرند. (نسرین مصفا و همکاران، 1383، صص 6 و 7)

- اختلافات مبنایی
- اختلافات محتوایی
- اختلافات روشی

**وضعیت برخی از کشورها نسبت به کنوانسیون حقوق کودک**

از بین 193 کشور جهان، 191 کشور، کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده و به تصویب رسانده اند و فقط کشور آمریکا و سومالی تا به حال کنوانسیون را تصویب نکرده اند. آمریکا، دلایل تصویب نکردن کنوانسیون مذکور را به هم ریختن اقتدار والدین توسط کنوانسیون، عدم وجود مجازات اعدام برای اشخاص زیر 18 سال (که در 25 ایالت آمریکا برای چنین اشخاصی مجازات اعدام وجود داد)، موضوع حقوق (که فقط حقوق سیاسی و مدنی را به رسمیت شناخته است) و موضوع صلاحیت (که فدار الیسم بودن ایالات متحده، مانع پیوستن به کنوانسیون می‌شود؛ هر چند کشور های برزیل، آلمان و مکزیک با وجود فدرال بودن، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده اند) دانسته است. (Marilia sardenberg, 2005,p.51)

فیلیپین که در سپتامبر 1990، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده است، قوانین خود را تا حدودی در جهت کنوانسیون تغییر داده و یا اصلاح کرده است. برای فحشا و خرید و فروش کودکان، قوانین جدیدی تصویب و یا در مورد حداقل سن کار کودکان، مطابق کنوانسیون، تجدید نظر شده است. اما در این کشور، سیستم دادرسی کودکان و نوجوانان، اصلاح نشده و کارشناسان و مشاوران حقوقی کودک تربیت نشده اند. در مورد ثبت قانونی کودکان، اقدامات جدیدی به عمل آمده و در ارتباط با مشکلات کودکان (فحشا، سر بازگیری، کار، آزار کودک و...) و واحدهایی برای جمع آوری آمار و اطلاعات تشکیل شده است.

سریلانکا که در آگوست 1991، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده است، در سال 1995، قوانین جدیدی را در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان، کار کودکان و فرزند خواندگی، به تصویب رسانده و سن سر بازی را از 15 به 18 سال افزایش داده است. همچنین، اعلامیه حقوق بشر را در برنامه های درسی خود وارد کرد. (Marilia sardenberg, 2005,p.65)

کشور نیپال که در اکتبر 1990، کنوانسیون مذکور را تصویب کرد، قوانین خود را در مورد سن کار کودکان، تغییر داد و برای هر 75 منطقه کشور، یک مسئول رفاه کودک تعیین کرده است. (Marilia sardenberg, 2005,p.65)

در ویتنام (سال 1990) در خصوص قوانین مربوط به فرایند دادرسی کودکان و نوجوانان، تربیت قاضی، پلیس و کارشناس حقوقی بر اساس کنوانسیون، تجدید نظر و نیز کمیته های حفظ و مراقبت از کودکان در سطح استان و منطقه تشکیل شده است. (فاطمه قاسمی، حقوق کودکان از حرف تا عمل، 1391)

فرانسه که در سپتامبر 1990، کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته، در سیستم دادرسی کیفری کودکان تجدید نظر کرده و بر اساس ماده 12 کنوانسیون، در سال 1993، قوانین جدیدی را به تصویب رسانده است و همچنین از طریق رسانه های جمعی، آموزش حقوق کودک، بویژه حق مشورت کودکان با وکیل در موارد ضروری، انجام می شود. (فاطمه قاسمی، حقوق کودکان از حرف تا عمل، 1391)

در برزیل، تقریباً نیمی از پنج هزار شهرداری کشور، دارای شورای حقوق کودک است و هزار شورای ویژه قیمومیت تاسیس شده است که هدف آنها حمایت از کودکان در معرض آسیب و خطر است و همچنین، نهضت ملی حمایت از کودکان خیابانی در این کشور تشکیل شده است. (Marilia sardenberg, 2005,p.79)

کلمبیا که در فوریه 1991، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده است، بازرسانی را در سطح ملی و استانها برای نظارت بر وضعیت کودکان، انتخاب کرده و در ضمن، آگاه سازی عمومی در زمینه پیمان حقوق کودک، از طریق رسانه های گروهی، سازمانها و مدارس، توسط دولت انجام داده است. (Marilia sardenberg, 2005,p.79)

کشور پرتغال هم که در اکتبر 1990، کنوانسیون مذکور را به تصویب رسانده است، در سن کار کودکان، تجدید نظر نموده و در برنامه های درسی خود، اعلامیه حقوق بشر را وارد کرده است. در ارتباط با مشکلات کودکان (فحشا؛ سر بازگیری، کار، آزار کودک و...) واحدهایی برای جمع آوری آمار و اطلاعات، در این کشور ایجاد نموده است. (Marilia sardenberg, 2005,p.81)

این موارد، خلاصه فعالیتهایی بود که در زمینه تحقق پیمان حقوق کودک در برخی از کشورها انجام شده است.





شایان ذکر است که برخی از دولتها، کنوانسیون کودک را با توجه به ماده 51 کنوانسیون، با شرایط خاصی پذیرفته اند و با اعلام حق شرط، عدم پایبندی خود را نسبت به برخی موارد اعلان کرده اند. مفصلترین حق شرطها، مربوط به آلمان، انگلیس، و ایتیکان و بلژیک می باشد.

مثلاً، دولت بلژیک اعلام داشته است که بند 1 ماده 2 کنوانسیون، در مورد عدم اعمال تبعیض در اجرای حقوق را بدینگونه تفسیر می کند که منظور این نیست که باید با کودکان اتباع خارجه همان رفتاری شود که با اتباع بلژیکی می شود و همان حقوقی داده شود که به اتباع بلژیکی اعطا می شود. تفاوت معقول و منطقی مبتنی بر قانون بین اتباع داخلی و تبعه خارجی، تبعیض محسوب نمی شود. در مورد مواد 13 و 15 مربوط به آزادی و ابراز عقیده و تشکیل اجتماعات اعلام داشته است که این موارد را با محدودیتها و شرایط و مقرراتی که در مواد 10 و 11 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است اجرا می کند. (حسین مهرپور، 1383، ص 84)

یا دولت ایتیکان اعلان کرد: عبارت «آموزش تنظیم خانواده» مندرج در ذیل بند 2 ماده 24 را با این تفسیر که با روشهای منطبق بر موازین اخلاقی قابل قبول؛ یعنی روش طبیعی باشد، می پذیرد و نیز مواد 13 و 28 مربوط به آموزش و ماده 14 مربوط به آزادی مذهب و ماده 15 مربوط به آزادی اجتماعات را به گونه ای می پذیرد که حقوق اساسی و غیر قابل سلب والدین، محفوظ باشد. (حسین مهرپور، 1383، ص 84-85)

و یا کشور مصر اعلام کرد: از آنجا که شریعت اسلامی، یکی از مهمترین منابع اصلی قوانین موضوعه مصر است و در اسلام، با وجود راه های مختلفی که برای حمایت از کودکان وجود دارد، مقررات فرزند خواندگی موجود نیست، بنابراین، نسبت به مواد مربوط به آن بصراحت اعلام حق شرط می کند.

علاوه بر موارد فوق، کشورهای دیگری وجود دارند که نسبت به کنوانسیون حقوق کودک، اعلان حق شرط کرده اند، از جمله کشور اردن، مغرب، کویت، الجزایر، عراق، پاکستان، افغانستان، قطر، سوریه، که به خاطر پرهیز از تفصیل مطالب، از ذکر آنها خودداری می شود. (Marilia sardenberg, 2005,p.60)

#### بحث و نتیجه گیری

تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و نوجوانان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه ی نخست به مسأله ی تعریف کودک، دوران کودکی ایده آل و ارزش های موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. در جهان امروز اندیشه ی محترم شمردن حقوق کودک و نوجوان به عنوان اندیشه ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری سلامت روحی و روانی آنان به شمار می رود. بررسی وضعیت کودکان یا جوانان بزهار نشان داده است که در اکثر موارد حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده و یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه های روحی و روانی را مشاهده کرده اند. در عصر حاضر اگر امور تربیت و اصلاح، از سوی مراجع قضایی یا سایر نهادهای حمایتی مورد توجه قرار می گیرد؛ این موضوع تحت عنوان يك حق برای آنان در نظر گرفته شده زیرا اگر طفلی كج رو است، قطعاً در برهه ای از زمان به شكلی در ادای حقوق ذاتی او اهمال شده است. آنچه که ادیان الهی خصوصاً اسلام به حقوق ذاتی کودک برای ساختار جامعه ای سالم و ورود فردی سالم برای دگرگونی و دگر اندیشی برای سلامت جامعه مد نظر است، کنوانسیون حقوق کودک نیز در بسیاری از موارد همان حقوق را در مواد خود کراراً یادآور شده و جامعه جهانی را برای حصول آن ترغیب کرده است. قضات اطفال امروزه قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان كج رو اجتماعی و بزهار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت يك کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند. نگاه تحول گرایانه ی قوانین و مقررات در جوامع بین المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می دهد که هدف؛ همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می دارد.

آنچه که محققان حقوق و کارشناسان مسایل اجتماعی و حتی دینی بدان تأکید دارند، این است که یک دختر 9 ساله و یا یک پسر 15 ساله طفلی است که نیازمند برنامه های آموزشی است تا رشد شخصیت اجتماعی او و رسیدن به بلوغ فکری او مورد حمایت قرار گیرد. در واقع اعتقاد به فقه پویا می بایست در جریان قانونگذاری کشورهای اسلامی قرار گیرد تا نارسایی های موجود برطرف گردد.

هر چند در بندهایی از قوانین بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک و فقه اسلامی تناقض وجود دارد، از جمله در مبحث فرزند خواندگی یا بحث مسئولیت کیفری؛ اما بسیاری از بندهای این کنوانسیون از جمله حقوق خانواده، اهمیت و جایگاه حقوق خانواده به عنوان بنیادی ترین حق جهت رشد و تبلور اندیشه های کودکان، حاکی از نزدیکی دیدگاه هاست.

تاریخ حقوق کودکان و نوجوان حکایت از آن دارد که عکس العمل جوامع در مقابل اطفال و دفاع از حقوق آنان در ادوار مختلف بر حسب شرایط متفاوت بوده است. در این میان کشورهای اسلامی بر حسب فقه اسلامی نقش قابل توجهی در تحولات حقوق کودکان و نوجوانان داشته اند. با ترویج عقاید مذهبی طرفدار حقوق کودک و مکاتب جهانی که انسان دوستی و نوع دوستی را ترویج می کرد، اصلاح کودکان و نوجوانان بزهار و یا منحرف به عنوان يك حق برای آنان، که طی شرایط اجتماعی خاصی به بزهر روی آورده اند، تلقی گردید. اندیشه ی بشردوستانه، مخصوصاً در مورد کودکان و نوجوانان؛ ره آورد مشترک بسیاری از کشورها (از جمله کشورهای اسلامی) در پرتو جلب همکاری های بین المللی و ضرورت حمایت از کودکان از حیث تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش و ... صورت عملی به خود گرفت و منجر به تصویب اعلامیه ی حقوق کودک در 20 نوامبر 1959، قطعنامه ی 29 نوامبر 1985، و قطعنامه ی 14 دسامبر 1990 شد. از طرفی تأثیرپذیری کشورهای جهان (کشورهای اسلامی نیز به تبعیت از سایر کشورها و



سازمان‌های حقوق بشر) از این اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها و ضرورت پذیرش حقوق واقعی کودکان با توجه به مبانی دینی و عرفی که ریشه در هویت دینی کشور‌های اسلامی داشته، در نوع خود تحولی شگرف پیرامون حقوق کودک به شمار می‌آید.

علی‌رغم برخی تفاوت‌هایی که در مفاد کنوانسیون حقوق کودک و فقه اسلامی دیده می‌شود ( نظیر فرزند خواندگی و...)، در مجموع نوعی اشتراک مساعی در حوزه‌ی حمایتی و پشتیبانی از حقوق کودک مشاهده می‌گردد. اسلام معتقد است، خانواده خاستگاه اولیه اجتماعی بشر بوده و پیامبر اکرم (ص) در همین زمینه می‌فرماید: « هیچ بنیاد اسلامی نزد خداوند پسندیده‌تر از بنای ازدواج و خانواده نیست.» بر همین اساس از خانواده تحت عنوان گروهی بنیادین در مقدمه‌ی کنوانسیون حقوق کودک نام برده شده؛ چرا که کودک باید در یک محیط طبیعی رشد نماید. رشد شخصیت کودک در پرتو حمایت مادی و معنوی خانواده شکل می‌گیرد و تفاهم و محبت، از حقوق ذاتی او تحت توجهات خانواده و جامعه به شمار آمده تا آمادگی ورود او به جامعه، در پرتو مجموعه‌ای از مساعدت‌ها به و دور از تبعیض‌ها و تحقیرها هموار گردد. در مباحث راجع به حضانت، نفقه، ارج نهادن به شخصیت کودک به جای سرکوب و تحقیر او، عدم بهره‌کشی، ضرورت آموزش و پرورش رایگان، عدم تحمیل عقیده‌ای خاص، منع شکنجه‌ی روحی، روانی و جسمی، تمهیدات لازم برای رفاه کودک در جهت رشد و نمو جسمی و روانی، ارائه‌ی مشاوره، الزام به داشتن و ثبت هویت و تابعیت، ضرورت گرایش و آماده نمودن بستر اصلاح و تربیت برای کودکان کج رو اجتماعی، اعطای آزادی به کودک؛ تشویق به رشد تربیتی، آموزشی، علمی و فرهنگی وی، اعطای تسهیلات و خدمات مناسب مراقبتی در دوره‌هایی از نوجوانی یا کودکی، پرهیز از سهل‌انگاری تربیتی، ایجاد انسجام در محیط خانوادگی، تضمین به حمایت از کودکان معلول، رفع نیازهای بهداشتی و زیستی، آشنایی کودکان با حقوق ذاتی خود، اعطای امکانات رفاهی و تأمین مایحتاجی که کودک و نوجوان بدان نیازمند است و... نشان از آن دارد که نگرش‌ها، جهت احقاق حقوق کودکان و نوجوانان، و تحول در این زمینه در بستر زمان، با توجه به شرایط اجتماعی موجود؛ از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک و فقه اسلامی متنوع است.

مهم‌ترین نکته‌ای که در مقایسه‌ی، حقوق کودک در مذهب اسلام؛ و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک باید بدان پرداخت؛ حق زرو یا همان حق شرط بسیار بزرگی است که برخی از کشور‌های اسلامی؛ از جمله جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، یمن، و چند کشور دیگر برای خود در پذیرش و اجرای آن قائل شده‌اند. و آن اینکه این معاهده‌ی لازم‌الاجرا؛ در این کشور‌ها تا جایی قابلیت اجرا دارد که مفاد آن بر خلاف شریعت اسلام نباشد.

در ارزیابی کلی از کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک 1989 باید گفت که اصول ذکر شده در این کنوانسیون، مبین نیازمندی‌های اساسی و بنیادین کودکان و نیز تکالیف خانواده، جامعه و دولت در اجابت نیازهای آنان بوده و متضمن تدابیر اجرایی در حمایت از کودکان است.

با وجود این که کنوانسیون از نقاط قوت و محاسن برخوردار است، ولی به نوبه خود ایراداتی بر آن وارد است، از جمله، عدم وجود نوآوری و ابتکار در برخی مواد، عدم تعریف اطفال بزه‌کار، عدم توجه به برخی از اصول مترقی جهان، وجود «حق تحفظ» برای کشور‌ها، ابهام و اجمال در برخی از موارد، عدم تعریف کودک پناهنده.

همچنین، کنوانسیون مذکور در موضوعاتی دارای خلا می‌باشد، از جمله، توارث فرزند از والدین، حقوق سیاسی کودک، حقوق مربوط به ورزش، ازدواج کودک، کودکان نامشروع از افراد نابالغ، حقوق والدین نسبت به کودک، اهلیت فعالیت‌های اقتصادی و انجام معاملات، مسئولیت کیفری و مدنی در برابر اعمال خود و... حال با این همه نواقص و کاستی‌های که کنوانسیون یاد شده دارد، از لحاظ تدوین مقرراتی جامع درباره حقوق کودکان، انتظارات جامعه بشری را در حمایت از کودکان برآورده است و اکثر کشور‌ها پس از تصویب کنوانسیون، در کشور خود، بندری قوانین و مقررات خود را اصلاح کرده یا تغییر داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران هم از جمله این کشور‌ها است که به تدوین مقررات جدید در حمایت از کودک پرداخته است.

بعد از بررسی و تطبیق دو منبع حقوقی در زمینه حقوق کودک، روشن شد که کنوانسیون حقوق کودک در دو امر نسبت به اصول حقوقی نقص و کاستی دارد. اول در کمیت حقوقی از این حیث که نسبت به اصول حقوقی، حقوق کمتری را برای کودک مطرح کرده است، مخصوصاً در قسمت حقوق معنوی که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارد. دوم در کیفیت حقوق؛ بدین معنا که سطح ارزشی، روشی و محتوایی آن دچار لغزش‌های فراوان است.

تاکنون عمده موارد نقض حقوق کودکان که مورد بحث بوده‌اند کودک آزاری‌های ناشی از بدرفتاری در خانواده بوده و آزارهایی که از سوی جامعه رخ داده‌اند (مانند ربایش و تهدید برای ربودن جواهرات کودک) کمتر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

برخی از موارد نقض حقوق کودکان (مانند پدیده کودکان خیابانی) خود معلول عوامل دیگری مانند آزار کودکان یا فقر و بیکاری و مهاجرت است اما به پدیده مستقلی که از مظاهر آشکار پیمال شدن حقوق کودکان است تبدیل شده‌اند. برخی از گونه‌های نقض حقوق کودکان نیز از سوی ساخت قدرت و به دلیل فقدان نهادهای مدنی مقتدر و بازدارنده بوده‌است؛ که گونه‌های هشتم و نهم از این قبیل هستند.

گونه‌های نه‌گانه‌ای که در مقاله عبارتند از: ۱ - آزار کودکان که خود شامل آزار جسمی، آزار جنسی، قتل کودکان و فرزند کشی است. ۲ - کودکان خیابانی. ۳ - تجارت کودکان. ۴ - ربایش. ۵ - تکدی‌گری. ۶ - کار کودکان. ۷ - کودکان زندانی. ۸ - نظام آموزشی و آزمون‌های غیر دموکراتیک که جنبه‌های مختلف آن مورد بحث قرار گرفته. ۹ - قوانین نامناسب.

هر چند برخی از این گونه‌ها مانند حلقه‌های متداخل به نظر می‌آیند اما به دلیل اینکه واجد آمار و ویژگی‌ها و علل و اشکال متفاوتی هستند می‌توانند به صورت گونه مستقلی به شمار آیند.



برای حل مسئله پایمال شدن حقوق کودکان باید به اهمیت گونه‌های دیگری غیر از کودک آزاری در خانه بیش‌تر متفطن بود و در سه سطح خانواده و جامعه و دولت با انواع گونه‌های باد شده به مقابله پرداخت. یکی از لوازم کامیابی این مبارزه، پیدایش تشکل‌های غیر دولتی و مدنی هستند که می‌توانند در هر سه سطح عمل کرده و دفع انواع ۹ گانه فوق را به موازات هم به پیش برند.

تنوری های مفروض در این مطالعه که در سه سپهر جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و روانشناسی مطرح شده و نظریه‌هایی مکمل و مشابه و متجانس بودند نیز نتیجه‌گیری از بحث را القا می‌کنند که با الهام از تطبیق تنوری‌های مطرح شده با گونه‌های مختلف یاد شده و آمار حاصله به دست می‌آید. این نتیجه‌گیری را می‌توانیکی دیگر از راهبردهای حل مسئله نیز دانست و آنهم توجه به اصلاحات اجتماعی و سیاسی ساختاری و کلان است زیرا نمی‌توان این حوادث را مستقل و بدون رابطه با فضای کلی سیاسی و اجتماعی تبیین کرد. افزایش آمار خشونت‌ها که با مجازات روبرو می‌شوند بیش از آنکه بیانگر استحقاق افراد برای این مجازات باشد نشان می‌دهد این بهداشت روانی جامعه است که آسیب دیده و اگر شرایط اقتصادی، سیاسی و روانی جامعه بهبود یابد این خشونت‌ها نیز به شدت سیر نزولی می‌یابند. آمار خشونت در ایران همبستگی کاملی با فشارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارد. در جریان انقلاب سال ۱۹۷۹ به مدت دو سه سال نرخ جرائم کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد زیرا در فضای آزاد پس از انقلاب، احساس امید و دخالت در تعیین سرنوشت وجود داشت اما پس از آن دوباره جرائم و خشونت‌ها افزایش یافت. در مقطع کوتاه بروز جنبش اصلاحی در سال ۷۶ - ۷۹ نیز جرائم و خشونت‌های عادی کاهش یافت اما به موازات بسته تر شدن فضای اجتماعی و سیاسی دوباره افزایش یافت.

بنابراین گرچه صورت ناهنجاری‌هایی مانند کودک آزاری از نوع جنسی و جسمی و آموزش و ربایش و تجارت کودکان و تکدی‌گری ظاهری فردی دارند اما ریشه عمیق تر و واقعی‌تر آن در فروپاشی هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و کاهش یا از میان رفتن تعهد یا اعتماد در درون خانواده‌هاست. از میان رفتن تعهد یا اعتماد ممکن است به صورت مستقیم به آسیب رساندن به کودکان و بی‌توجهی نسبت به حقوق آنها بینجامد و ممکن است با انهدام نهاد خانواده یا طلاق، کودکان را در معرض برخی گونه‌های یاد شده قرار دهد و ممکن است مشاهده خشونت و تزلزل در خانواده بر شخصیت آنها آثار نامطلوب گذاشته و آنان را مستعد افتادن در دام آزارگران یا تاجران و متکدیان و با مجرمان سازد و یا در سیستم آموزشی به افت آموزشی‌شان منجر شود.

موضوع حقوق کودک در عرصه بین‌المللی در طول چند دهه اخیر، محور توجهات نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها قرار گرفته است. با توجه به اینکه مبانی و پشتوانه قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران، موازین شرع مقدس اسلام است، در آموزه‌ها و تعالیم اسلام، موضوع حقوق کودک از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

در نظام حقوقی اسلام، نکات و ظرایف بسیار دقیق در مورد حقوق معنوی، عاطفی و اخلاقی کودک مقرر شده است. به‌رغم پشتوانه بسیار غنی و قابل اتکای تعالیم اسلامی در مورد حقوق کودک، متأسفانه در عرصه بین‌المللی در میان کشورهای اسلامی چندان شاهد عزم و اراده راسخی در زمینه فعالیت سازنده در زمینه حقوق کودک نبوده‌ایم.

تاکنون اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اسلامی به عضویت کنوانسیون حقوق کودک درآمده‌اند، لکن یک نقد منسجم و دقیق از مفاد کنوانسیون و تبیین مواد آن در جهت تعیین نقاط قوت و ضعف آن از منظر موازین اسلامی از سوی کشورهای اسلامی ارائه نشده است. این در حالی است که اکنون شاهد آن هستیم که کشورهای مختلف حتی برخی از کشورهای که تاکنون از پیوستن به کنوانسیون استنکاف ورزیده‌اند، آثار متعددی (از جمله مقالات و کتاب‌هایی) در تفسیر و نقد کنوانسیون منتشر کرده‌اند.

بی‌تردید گام نخست در این مسیر، توجه کشورهای اسلامی به این مهم است که اجرای کنوانسیون حقوق کودک به تنهایی نمی‌تواند به طور کامل به احقاق حقوق مادی و معنوی کودک در تمام عرصه‌ها منجر شود؛ همچنان‌که تجربه برخی کشورهای غربی با گذشت بیش از سه دهه از تصویب و اجرای آن، نشان می‌دهد. البته قطعاً تجربیات کشورهای دیگر و از جمله کشورهای غربی بسیار می‌تواند راهگشا باشد تا در برخی موضوعات ما دیگر مسیر نافرجام رفته را نپیماییم و در مواردی از دستاوردهای مفید آنها بهره‌مند گردیم.

امروزه موضوع حقوق کودک دیگر یک موضوع صرفاً داخلی و ملی محسوب نمی‌شود، بلکه در طول چند دهه اخیر به عنوان یک موضوع بین‌المللی به آن نگریده شده است.

در هر حال به عنوان نتیجه می‌توان گفت آسیب‌های وارده بر اطفال در جامعه کنونی ما بسیار زیاد است به صورتی که اطفال زیادی در جامعه ما وجود دارند که به عناوین مختلف به انحرافات اخلاقی و اجتماعی متنوعی دچار می‌باشند از جمله این انحرافات معضل کودکان خیابانی است که این عارضه دست پرورده آسیب‌های مختلف اجتماعی است که بر این رده سنی وارد می‌گردد و این فشر رابه بار می‌آورد معضل کودکان خیابانی که در حال حاضر نیز بحث اکثر مطبوعات و رسانه‌ها می‌باشد در صورتی که ریشه یابی نگردد به همین صورت ادامه یابد حتی آینده‌ای تاریکتر در انتظار جامعه ما و این اطفال خواهد بود زیرا مسلمان این کودکان خیابانی هستند که مجرمان به عادت و خطرناک جامعه ما خواهد بود.

در همین راستا اقداماتی نیز از جانب استانداری، مراکز بهداشتی، وزارت بهداشت و درمان در راستای اصلاحات لازمه در مورد این کودکان خیابانی انجام شده از این جمله است خانه‌های ریحانه که مقدمات راه اندازی آن از سال ۱۳۷۷ شروع و از لحاظ اجرایی از سال ۱۳۷۸ آغاز به کار نمود و حتی سازمانها و ارگانهایی از جمله کمیته امداد خمینی و سازمان فنی و حرفه‌ای که به نوعی این کودکان را تحت حمایت خویش قرار می‌دهند باید تجهیز گردند در هر حال آسیب‌های مربوط به اطفال بزهکار قابل شناسایی می‌باشند مهمتر از شناسایی این آسیب‌ها درمان و پیشگیری است که امید است از طرف سازمان‌های مسئول به این امر خطیر در باب این اطفال توجه بایسته گردد تا بتوان جامعه‌ای با افراد مسئول در آینده بسازیم وگرنه بابتی توجهی به وضعیت اطفال بزه‌کار در آینده جامعه‌ای بی‌بندوبار خواهیم داشت که مسلمانان از کنترل قوانین و مقررات نیز بیرون خواهد رفت.

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



حقوق کودکان و وظایف والدین موضوعاتی هستند که کاملاً با هم مرتبط بوده و گاه در جهت موافق و گاه در جهت مخالف یکدیگر می‌باشند. به نظر می‌رسد باید راهکارهایی اندیشه شود که هر کدام از طرفین به حقوق خود دست پیدا کنند و عدالت نیز رعایت گردد. با توجه به دیدگاه قانون مدنی در مورد حقوق کودک و وظایف والدین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در مورد حقوق کودک قبل از دوره تولد هیچ‌گونه تصمیم‌گیری صورت نگرفته و برای والدین نیز تکالیفی مقرر نشده است؛ در حالی که دوره قبل از تولد (بارداری) یکی از دوره‌های مهم زندگی و شکل‌گیری کودک محسوب می‌شود. از این رو جا دارد قانون‌گذار محترم به منظور حفظ حقوق کودکان در این دوره قانون لازم را وضع نماید. مواد دیگری همچون 1168 و 1178 قانون مدنی نیز دارای ابهام و کلی‌گویی است. همین موضوع باعث می‌شود برداشت‌های متفاوتی از آن صورت گرفته و منجر به تضییع حقوق کودکان شود. برای رفع ابهام در این زمینه باید حدود اختیارات و وظایف خانواده و دولت به روشنی ترسیم شده و قوانینی که دست خانواده و دولت را برای تضییع یا محدود کردن حقوق کودک بازمی‌گذارد، حذف یا تعدیل گردد. همچنین می‌توان برای کنترل عملکرد خانواده و نیز دولت سازمانی تحت عنوان ناظر ایجاد کرد تا نظارت و کنترل لازم را در این خصوص اعمال نماید. البته این سازمان باید نسبت به فرهنگ جامعه و نقش خانواده در تأمین و حمایت از حقوق کودک آگاهی لازم و کافی را داشته باشد. حقوق والدین و تکالیف آنها نسبت به کودک و حقی که وی بر آنها دارد و به طور کلی رابطه کودک و والدین باید در چارچوب نهاد خانواده با توجه به فرهنگ ملی مذهبی شناسایی و به جامعه نشان داده شود. در پایان، لازم به ذکر است که به حقوق کودکان باید از دو جنبه حقوقی و اخلاقی نگریست. قانون‌گذار، والدین و دیگر اشخاص می‌توانند با رعایت صحیح حقوق کودکان، آینده آنها و جامعه را تضمین نمایند.

در پایان لازم به ذکر است که همین مسأله فوق‌الذکر باعث بروز مسائل و مشکلات فراوانی در عرصه حقوق بین‌الملل و در رابطه با این قبیل کشورها، در خصوص حقوق کودک شده است. و به همین دلیل، با عمل نکردن این کشورها به بعضی از مفاد حائز اهمیت این پیمان‌نامه؛ این گونه بیان می‌شود که کشورها مذکور به معاهدات بین‌المللی عمل نکرده؛ و حقوق کودک را پایمال می‌کنند. و به همین جهت تنش‌های سیاسی و بشر دوستانه بین المللی گسترده‌ای در این باره رخ می‌دهد؛ که سبب بروز مشکلات متعدد و کاهش وجهه‌ی بین‌المللی این دولت‌ها می‌شود.

- مفاد کنوانسیون حقوق کودک و آیات و روایات از بعضی جهات مشترک بوده و از بعضی جهات دارای اختلاف هستند.  
- در قرآن و روایات علاوه بر نیازمندیهای جسمی و اجتماعی کودک به نیازهای روحی و معنوی اشاره شده است که در کنوانسیون‌ها مغفول مانده است.

**منابع و مأخذ**

\*قرآن کریم

1. آبشار، قدرت اجرایی کنوانسیون، ترجمه ماده 49 کنوانسیون حقوق کودک، 1379
2. آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، اندیشه‌ها، انتشارات اشراق، سال 1379
3. اسحاقی، محمد، مجازات پدر و مادر در جرم کشتن فرزند. تهران. سفیر صبح. 1380.
4. اسعدی، خانواده و حقوق آن، انتشارات مهر، تهران، 1392
5. آقابیکلویی، عباس و دیگران، کودک آزاری، انتشارات کتاب آوند، تهران، 1380
6. اقلیمی، مصطفی، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران در کارگاه آموزشی بررسی ابعاد حقوقی و روانشناسی آزار جنسی کودکان. خبرگزاری سینا. 1383
7. باقی، عمادالدین، روحانیت و قدرت مقاله «مثلت مذهب، روحانیت، اخلاق». 1383
8. باقی، مریم. شرق. قانون و فرایند مجرم سازی کودکان. 1383
9. بروجردی. اشرف. معاون اجتماعی وزارت کشور. ایرانا. 1382
10. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، مرکز انتشارات دارالتبلیغ، چاپ دوم سال 1367
11. تاج زمان، دانش. دادرسی اطفال بزهدار در حقوق تطبیقی. تهران. نشر میزان. 1378
12. توانا، علی نجفی، نابهنجاری و بزهداری کودکان و نوجوانان، انتشارات آموزش و سنجش، چاپ اول، سال 1385
13. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هفدهم، 1386
14. حجتی‌اشرفی، غلامرضا، مجموعه محشای ثبتی، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، 1386
15. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم 1394
16. دورکیم، امیل. تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام. 1392
17. دورکیم، امیل، خودکشی، ترجمه دکتر نادر سالارزاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۶ و مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ریمن آرون. ترجمه: باقر پرهام. (تهران، علمی و فرهنگی، چاپ ششم) 1382.
18. شریفیان، جمشید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، 1380
19. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر دفتر اول درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1382
20. رجیبیان، زهره. آیت‌اللهی، زهرا. گدازگر، مریم. سن ازدواج دختران. تهران. سفیر صبح. 1380
21. رزآبادی، شیوا. شرق. ص ۲۷. گزارش: کودکان محکوم در سلولهای مرطوب. 1383

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه. بلوار شهید درخشسی. مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۵۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۲۶ و ۳۲۳



22. ال اتکینسون، ریئا، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه دکتر حسن رفیعی و دیگران (تهران. ارجمند) جلد ۲. ۱۳۸۳
23. زینالی، حمزه. «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاهها در آن». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال سوم، شماره ۹. ۱۳۸۲.
24. سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، چاپ شاپرک، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۵
25. شیروانی و غروریان، علی و محسن، ترجمه لمعه الدمشقیه، جلد دوم، انتشارات دارالفکر ۱۳۸۳
26. شیروانی، علی، نهج الفصاحه (کوشش و گردآوری)، انتشارات دارالفکر، سال ۱۳۸۵
27. عبادی، شیرین، کنوانسیون حقوق کودک و حقوق کودکان در ایران، آزما، ۱۳۹۳
28. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
29. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۶
30. عبادی، شیرین، حقوق کودک، انتشارات فتح، تهران، ۱۳۹۳
31. العسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، ۱۹۸۶، فتح الباری شرح صحیح البخاری، جلد سوم، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۶ م
32. عطایی، زهرا، حقوق کودک، انتشارات سامان دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴
33. فتحی، منصور. عضو کمیته مددکاری انجمن حمایت از کودکان. ۱۳۸۳.
34. محقق داماد، سیدمصطفی، حقوق خانواده، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴
35. محمدی، رضا، معضلی به نام حقوق کودک، نشریه اعتماد، ۱۳۸۳/۸/۱۲
36. مدنی، سعید و همکاران. بررسی وضعیت کودک آزاری در ایران (بررسی ابعاد غیر حقوقی)، جلد اول. تهران. صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران (تیراژ محدود). ۱۳۸۲
37. مدیرنیا، سیدجواد، حقوق کودک، چاپ اتحاد، ۱۳۵۳
38. مصفا، نسری، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳
39. معین، محمد، فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)، انتشارات زرین، چاپ دوم، ۱۳۸۶
40. منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، انتشارات قانون، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۶
41. مصفا، نسری و همکاران، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.
42. نوری، محمد علی، حقوق و فقر، انتشارات گنجینه‌ی فرهنگ ۱۳۹۱
43. یثربی، سید علی محمد، حقوق خانواده در قانون مدنی ایران، انتشارات چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۶
44. Adopted by the united Nations General Assembly on 20 November 1989 Entered into Force on 2 september 1990, GA Res No. 44/25. convention on the Rights of the child (CRC)
45. Marilia sardenberg, The convention on the Rights of the child , in : The Essentials of Human Rights , Ed. By Rhona K.M. smith and christien van Den Arker, Hodder Arnold, 2005,



## A Comparative Study of the Right to Physical & Mental Health of Children in Convention on the Rights of the Child & Islamic Doctrins

**Jamal Beigi**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch,  
Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

**Mohammad Haj Ali Akbari**

Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran  
mohammadhajaliakbari19@gmail.com

### Abstract

Today, paying attention to the situation of children in different dimensions is in the focus of attention of the international community and the human rights bodies of the United Nations, to the extent that many universal laws in the field of child protection have been approved by the relevant organizations. But despite these protections, children in many parts of the world are exposed to serious harm. Children's physical and mental health rights are one of the most important discussions in the field of family law. In this context, various legal schools have presented different views. The purpose of this article is to compare the views of two prominent and important legal systems; That is, legal principles, which are the most comprehensive source, and the Convention on the Rights of Physical and Mental Health of the Child, which is the foundation of the last human efforts of the 21st century in the international arena. In this article, after examining the position of children's rights and introducing the two legal principles, in order to compare the two principles, their differences in the three areas of basis, content and method have been mentioned. As a result, after the comparative examination of the two legal principles and considering the differences between them, it becomes clear that the rights of the child's physical and mental health in legal principles have a higher and superior level than the Convention on the Rights of the Child; Because although the convention has positive and good points, it has ignored some of the basic rights of the child.

**Keywords:** Convention on Child Rights, Physical Health, Mental Health, Child, Islamic Jurisprudence.